



فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷، صفحات ۱۲۱-۱۰۳

## سیاست‌گذاری جنایی از کنترل درونی تا کنترل بیرونی جرم

عباس شیری<sup>۱</sup>

استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۲۸)

### چکیده

سیاست‌گذاری جنایی به عنوان شاخه‌ای از سیاست‌گذاری عمومی، پدیده بزهکاری را مورد توجه قرار می‌دهد، بدین‌ترتیب بخشی از سیاست‌گذاری‌های کلان به موضوع بزهکاری و راه‌کارهای پیش‌گیری، کاهش و کنترل جرم می‌پردازد و مورد توجه دولت‌ها در جوامع مختلف قرار گرفته است. رشد روز افزون آمار جرایم و خطرات ناشی از آن، گسترش و تنوع آسیب‌های اجتماعی و تأثیر آن بر سایر حوزه‌های مورد توجه در سیاست‌گذاری عمومی (از قبیل، آموزش، بهداشت و سیاست، رفاه عمومی، محیط زیست، امنیت انسانی و ...)، سیاست‌گذاری جنایی را به عنوان یکی از حوزه‌های اصلی سیاست‌گذاری عمومی معرفی نموده است. سیاست‌گذاری جنایی ضمن تبیین متفاوت از بزهکاری و انحراف، برای مقابله با جرم بر کنترل‌های درونی و بیرونی تأکید می‌کند. اولویت بخشی بر کنترل‌های غیر رسمی و مداخله نهادهای مدنی از دیگر ویژگی‌های دیدگاه سیاست‌گذاری جنایی در باره بزهکاری و کنترل آن است.

**واژگان کلیدی:** سیاست‌گذاری عمومی، سیاست‌گذاری جنایی، بزهکاری، کنترل جرم، انحراف.

## مقدمه

امروزه سیاستگذاری عمومی به طور گسترده‌ای تمامی موضوعات مرتبط با جامعه را تحت پوشش و به عنوان بخش‌هایی از این حوزه مطالعاتی مورد توجه قرار داده است. «سیاستگذاری جنایی<sup>۱</sup> سومین حوزه مهمی است که در عرصه سیاستگذاری عمومی ظاهر می‌شود. سیاستگذاری جنایی در پی وضع سیاست‌هایی است که به کاهش میزان جرم در جوامع منتهی شود تا بدین وسیله انسان‌ها بتوانند در امنیت زندگی کنند. تکیه اصلی این حوزه از سیاستگذاری بر نظریه‌های جرم‌شناسی و تحقیقات و پژوهش‌های میدانی در این زمینه است. پیش‌گیری از وقوع جرم از کلید واژه‌های اصلی این حوزه محسوب می‌شود» (ملک محمدی، ص ۱۴، ۱۳۹۵). پدیده مجرمانه از دیدگاه سیاستگذاری جنایی با گونه‌های مختلف سیاستگذاری عمومی مانند تعلیم و تربیت، بهداشت و درمان، محیط زیست، فعالیت‌های مرتبط با حوزه کسب و کار (صنعت، کشاورزی، بازرگانی)، اقتصاد، فرهنگ و نظایر آن‌ها در ارتباط است. بنابراین، به نقش و کارکرد سیاستگذاری‌های مختلف بر پدیده بزهکاری تمرکز می‌گردد. سیاست‌های مرتبط با پیش‌گیری و کاهش جرم در اولویت قرار می‌گیرند. در هنگام ارائه برنامه‌های کوتاه یا دراز مدت، بخشی به بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی اختصاص می‌یابد. همان‌گونه که در ایران در سیاست‌های کلی نظام مصوب رهبری، برنامه‌های پنج ساله توسعه، قوانین سنواتی بودجه، این موضوع مورد توجه قرار گرفته است. هر چند در نظام عدالت کیفری، پاسخ‌ها رسمی و تنبیهی هستند و کنشگران دولتی متولیان مبارزه با بزهکاری هستند، در سیاستگذاری جنایی، چنین محدودیتی وجود ندارد. «در سیاستگذاری عمومی مانند دیگر عرصه‌ها بازیگرانی اعم از دولتی یا غیردولتی وجود دارند که شناخت آن‌ها ما را در شناخت بهتر سیاستگذاری و فرایند تولید سیاست‌ها یاری می‌رساند» (ملک محمدی، ص ۲۵، ۱۳۹۵). نقش و جایگاهی که به بازیگران دولتی یا غیردولتی و نهادهای مدنی در هر جامعه‌ای داده می‌شود، ارتباط زیادی به نوع نظام سیاسی دارد.<sup>۲</sup> سیاستگذاری جنایی در ایران بیشتر تحت تأثیر سیاست‌های کلی نظام مصوب رهبری، قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی، مصوبات مجمع تشخیص نظام و سیاست‌های رسمی به کار گرفته شده توسط قوه قضاییه، قرار دارد. اثرپذیری این سیاست‌ها از نهادهای مدنی یا دیدگاه‌های

۱- برای آگاهی از مفهوم سیاستگذاری جنایی رک:

شیری، عباس: سیاستگذاری جنایی درباره حقوق بزه‌دیدگان، مندرج در فصلنامه علمی پژوهشی سیاستگذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، صص ۱۵۶ تا ۱۷۰.

حوزه سیاستگذاری جنایی محدود به موارد یاد شده نیست. موضوعات مرتبط با حقوق بزه‌دیدگان، مشارکت‌نهادهای مدنی در عدالت کیفری در جهت کاهش هزینه‌های عمومی از موضوعات مهم مرتبط با سیاستگذاری جنایی است.

۲- میزان تأثیرپذیری افکار عمومی و رسانه‌ها را بر سیاستگذاری عمومی نمی‌توان به طور کامل نادیده گرفت. به ویژه در شکل‌گیری عوام‌گرایی کیفری، تشدید مجازات و رفتارهای بحث‌گرایانه با بزهکاران باید این موضوع را مورد توجه قرار داد. برای مطالعه در این باره رک: رابرتز، جولیان. وی و دیگران: عوام‌گرایی کیفری و افکار عمومی: درس‌هایی از پنج کشور، ترجمه: رضوانی، سودابه / باقری‌نژاد، زینب / هژبرالساداتی، هانیه / کاظمی جویباری، مهدی؛ زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۲، نشر میزان.

متخصصان و اساتید جرم‌شناسی و حقوقدانان کمتر است. در حوزه سیاستگذاری عمومی ایران، نقش قابل توجهی به نهادهای غیردولتی و نهادهای مدنی داده نمی‌شود؛ ولی رفته رفته ضرورت‌های اجتماعی و سیاست‌های رسمی مقابله با جرم، افزایش بزهکاری، افزایش هزینه‌های عمومی و ... زمینه‌های لازم برای توجه به عدالت غیررسمی<sup>۱</sup> (Informal justice) برای مقابله با جرم را فراهم نمود. در سال‌های اخیر به ویژه شاهد ظهور نوعی سیاست‌های مشارکتی برای مقابله با پدیده بزهکاری هستیم. در عرصه سیاستگذاری جنایی، هرچند کماکان نهادهای رسمی عدالت کیفری نقش اصلی را بر عهده دارند، اما در حال اعطای نقش به نهادهای غیررسمی در سیاست‌های مربوط به کنترل جرم هستیم، که بر فرایند اجرای عدالت کیفری تأثیر می‌گذارد. برای تبیین بحث ابتدا در بند الف به تحولات مفهوم بزهکاری در جرم‌شناسی و سیاستگذاری جنایی می‌پردازیم. و سپس در بند «ب» به سیاستگذاری جنایی درباره کنترل جرم می‌پردازیم.

### الف - بزهکاری در جرم‌شناسی و سیاستگذاری جنایی

جرم، گرانیگاه مطالعات جرم‌شناسی و ماده اصلی آن است. مهم‌ترین ویژگی جرم‌شناسی تمرکز بر جرم است.<sup>۲</sup> اصولاً جرم، با تعریف حقوقی شناخته می‌شود: «هر فعل یا ترک فعلی که به موجب قانون برای آن مجازات<sup>۳</sup> یا اقدامات تأمینی و تربیتی در نظر گرفته شده است»<sup>۴</sup>. ولی وقتی پدیده بزهکاری از دیدگاه سیاستگذاری جنایی مورد بحث قرار می‌گیرد، مفهومی وسیع و گسترده‌تر از تعریف حقوقی و حتی جرم‌شناسی، مورد توجه قرار می‌گیرد. لازم است، جرم از دیدگاه جرم‌شناسی و سپس سیاستگذاری عمومی و جنایی مورد بحث قرار گیرد:

#### ۱- جرم از دیدگاه جرم‌شناسی

جرم‌شناسی به مطالعه درباره جرم می‌پردازد، ولی مفهوم آن را از علم حقوق مد نظر قرار داده و علت وقوع جرم را تبیین می‌نماید. کماکان تعریف جرم، معضل اساسی در جرم‌شناسی است و اختلاف نظریه‌ها و مکاتب جرم‌شناسی را باید ناظر به همین موضوع دانست. به ویژه زمانی که جرم دارای ابعاد ایدئولوژیکی در قلمروی کیفری به رسمیت شناخته می‌شود، موضوع

۱- برای مطالعه در این باره، رک:

Feenan, Dermot: Informal Criminal Justice, Published by Dartmouth Publishing Company, 2002, England.

2- Williams III, Frank P, Mc Shane, Maryland: CRIMINOLOGICAL THEORY, sixth Edition, Pearson Education, Inc. 2014, USA, P 273, 2014.

۳- این دیدگاه، تحت تأثیر اندیشه‌های فلسفی درباره جرم است، که توسط هابز، کانت، هگل و سایر فلاسفه مطرح شده است. برای مطالعه بیشتر در این باره رک.

شیری، عباس: درباره جرم و جرم‌شناسی، دیپاچه بر کتاب پژوهش جرم‌شناسی، نوشته لین کرو، ناتاشا سمز، ترجمه آزاده واعظی، صص پانزده تا سی، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۴، بنیاد حقوقی میزان.

۴- برای بحث درباره تعریف جرم در حقوق کیفری رک:

نوربها، رضا: زمینه حقوق جزای عمومی، تجدیدنظر شده به وسیله دکتر عباس شیری، صص ۱۴۶ تا ۱۵۰، چاپ دوم، پاییز ۱۳۹۷، بنیاد حقوقی میزان.

پیچیده‌تر نیز می‌شود. جرم در معنای وسیع و حداکثری، تحت تأثیر اندیشه‌ها و مکاتب گوناگون در جرم‌شناسی بازخوانی می‌شود: «جرم‌شناسان در صددند تا جرم را با گسترش توضیحاتی در خصوص رفتار بزهکارانه و بر اساس زیست‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی یا اقتصاد سیاسی - فرهنگی خاص، بررسی کنند»<sup>۱</sup>. جرم‌شناسی، با انتشار کتاب مرد بزهکار (criminal man) اثر سزار لمبروزوی ایتالیایی، در سال ۱۸۷۶ م، متولد شد.<sup>۲</sup> تمرکز کتاب یاد شده بر عوامل زیستی در ارتکاب جرم بود. مشخصات ظاهری نظیر قد، شکل مجسمه، ابعاد قسمت‌های مختلف صورت، نظیر پیشانی، فک و ...، مبنای پژوهش لمبروزو بود. پژوهش‌های یاد شده تا کنون ادامه دارد. تحول بعدی مربوط به مطالعات اجتماعی درباره جرم است که با کار آنریکو فری تحت عنوان جامعه‌شناسی جنایی<sup>۳</sup> ادامه یافت. «به نظر فری، جرم به واسطه شماری از عوامل شامل «عوامل فیزیکی» (نژاد، جغرافیا، درجه حرارت و آب و هوا)، «انسان‌شناسی»، اقتصاد و تراکم جمعیت بوجود می‌آید» (ویلیامز، ص ۶۷، ۱۳۹۵). دیدگاه‌های یاد شده، توسط نظریه‌های جرم‌شناسی زیستی تا حدود زیادی تعدیل یافت. تحول مهم بعدی کار امیل دورکیم است. دورکیم معتقد است: «جرم به نظر ما هر نوع عملی است که در حله معین خودش موجب واکنش ویژه‌ای بر ضد عامل عمل می‌شود که نام‌اش مجازات است» (دورکیم، ص ۶۹، ۱۳۸۴).

دورکیم ضمن نقد دیدگاه‌های حقوقی درباره جرم، به نقش اعضای یک جامعه در شناسایی جرم اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. هر جا که احساسات اکثر اعضای جامعه جریحه‌دار می‌شود، رفتار مرتکب، جرم محسوب می‌شود. دورکیم سپس به ابداع واژه وجدان جمعی یا عمومی می‌پردازد و در تعریف آن می‌نویسد: «مجموعه اعتقادات و احساسات مشترک در میانگین افراد یک جامعه واحد دستگاه معینی را تشکیل می‌دهد که حیات خاص خود را دارد، این دستگاه را می‌توان وجدان جمعی یا عمومی نامید» (دورکیم، ص ۷۷، ۱۳۸۴). سپس بر اساس معیار فوق، تعریف خود را از جرم کامل می‌گرداند: «جرم از نظر ما عملی است که حالت‌های نیرومند و روشن وجدان جمعی را جریحه‌دار می‌کند» (دورکیم، ص ۷۷، ۱۳۸۱)\*. دورکیم در کتاب خودکشی:

1- Andrew J. Hund: Participatory Reintegrative Shamig Conferences P.I. The RED Feater Journal of Post/Modern Criminology, An International Journal, 1999.

۲- البته اصطلاح جرم‌شناسی (Criminology) برای اولین بار توسط گاروفالوی ایتالیایی در سال ۱۸۸۵، زمانی که کتابی با همین نام منتشر کرد، به کار رفت.

۳- آنریکو فری، ابتدا کتاب خود را در سال ۱۸۸۱ تحت عنوان: افق‌های نوین در حقوق و آیین دادرسی کیفری منتشر نمود، ولی در هنگام چاپ دوم کتاب در سال ۱۸۸۹ نام کتاب خود را به جامعه‌شناسی جنایی (Sociologia Criminala) تغییر داد. در این باره رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین: تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی، ص ۶، نیم سال دوم سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳، دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی. قابل دسترسی در: Lawtest.ir

\*- E. Durkheim, Suicide: A Study in Sociology: Translated by G. Simpson, The Free Press, 1951.

در صفحات ۲۴۶ تا ۲۵۷ متن انگلیسی کتاب یاد شده، دورکیم به بحث درباره بی‌هنجاری و خودکشی پرداخت. کتاب یاد شده به زبان فارسی ترجمه شده است. مشخصات متن ترجمه شده بدین شرح است:

دورکیم، امیل: خودکشی، ترجمه دکتر نادر سالارزاده امیری، با دیباچه دکتر غلام عباس توسلی، چاپ سوم، ۱۳۹۳، مرکز انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

مطالعه‌ای در جامعه‌شناسی در سال ۱۸۹۷، برای اولین بار مفهوم آنومی یا نابهنجاری<sup>۱</sup> Anomie را مطرح کرد و بدین ترتیب مفهوم انحراف (deviance) در کنار مفهوم جرم (crime) شکل گرفت. «نابهنجاری اشاره به از کار افتادن هنجارهای اجتماع و شرایطی دارد که در آن، این هنجارها، دیگر فعالیت اعضای اجتماعی را کنترل نمی‌کنند. افراد در حال نبود قواعدی برای هدایتشان، نمی‌توانند جای خود را در جامعه بیابند و برای تنظیم با شرایط متغیر زندگی دچار مشکل می‌شوند. این مسئله به نوبه خود، منجر به نارضایتی، ناامیدی، منازعه و انحراف می‌شود» (ویلیامز، صص ۱۴۲ و ۱۴۳، ۱۳۹۵). نقش بحران‌های اقتصادی و نابسامانی اجتماعی در تولید رفتارهای انحرافی مورد توجه دورکیم قرار گرفت. کار دورکیم مورد توجه رابرت، کی مرتون، جامعه‌شناس برجسته آمریکایی قرار گرفت. مرتون در مقاله خود با عنوان: «ساختار اجتماعی و بی‌هنجاری» زمینه‌های شکل‌گیری بی‌هنجاری در جامعه را به پیشرفت‌های اقتصادی و صنعتی و تولید یک باره ثروت و در نتیجه فشار بر طبقات اجتماعی نسبت داد. «مرتون پس از تحلیلی روشن از بی‌هنجاری، بر تأثیر متفاوت هدف‌های مشخص فرهنگی و شیوه‌های پذیرفتنی دسترسی به این هدف‌ها در بخش‌های مختلف جامعه تأکید می‌کند» (کوزر/روزنبرگ، صص ۴۰۲، ۱۳۸۷). تأکید مرتون بر ارزش‌های مورد قبول جامعه، زمینه شکل‌گیری نظریه انحراف و تمایز آن از بزهکاری گردید. مفهومی که بعدها در سیاستگذاری‌های عمومی بیشتر مورد توجه قرار گرفت. گیدنز نیز به توصیف مرتون از نظریه بهنجاری و مفهوم انحراف توجه نموده در تعریف آن می‌نویسد:

«انحراف ناهمنوایی با مجموعه معینی از هنجارهای مورد قبول شمار زیادی از مردم اجتماع یا جامعه است» (گیدنز/ساتن، ج ۲، صص ۵۱۲، ۱۳۹۵). گیدنز ضمن تفکیک مفهوم انحراف از جرم، تداخل آن‌ها در بعضی موارد را می‌پذیرد و در این باره می‌نویسد: «انحراف و جرم یکی نیستند هر چند در بسا موارد با هم تداخل دارند. مفهوم انحراف بسیار کلی‌تر از جرم است و فقط بر نقض قانون دلالت ندارد. بسیاری از انحرافات مجازات قانونی ندارد. مطالعه انحرافات پدیده‌های گوناگونی از عریان‌گرایی تا مجالس رقص پریهاو و عیاشی و خانه به دوشی عصر جدید را در برمی‌گیرد»<sup>۲</sup> (گیدنز/ساتن، ج ۲، صص ۵۱۳، ۱۳۹۵). گیدنز، به منظور تبیین تمایز جرم

1- R.K. Merton, Social Theory and Social Structure, 1949, pp. 125-133.

۲- بحث درباره اختلاف دیدگاه‌های مرتبط با انحراف و جرم، فراتر از حوصله این نوشتار است. همان گونه که گیدنز بر آن تأکید می‌کند جرم‌شناسی بر مطالعه جرم و جامعه‌شناسی انحرافات بر پدیده انحراف تمرکز دارد. برای بحث بیشتر در این باره رک. نجفی ابرندآبادی، منبع قبلی، صص ۱۱ و ۱۲. ایشان درباره جرم و انحراف «معتقد است: «بزهکاری یا جرم یکی از انحرافات اجتماعی است که به موجب قانون کیفری و حقوق کیفری دارای مجازات است. (ضمانت اجرا دار است) اما انحراف، آن کز روی اجتماعی است که ضمانت اجرای کیفری و رسمی ندارد، بلکه ضمانت اجرای اجتماعی دارد. یعنی طرد اجتماعی فرد، مذمت و سرزنش کردن و تذکر به فرد.» (به نقل از همان منبع، صص ۱۱).

شادروان دکتر رحمت‌اله صدیق سروسستانی، کتاب آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، کج رفتاری‌های اقتصادی، خشونت، خودکشی، اعتیاد به مواد مخدر و الکل را به عنوان مصادیق معرفی می‌نماید و کج رفتاری را تخلف عمده از هنجارهای اجتماعی می‌داند. به چاپ اول کتاب یاد شده، تابستان ۱۳۸۶، انتشارات سمت رجوع نمایید.

و انحراف از یکدیگر، بر مجازات قانونی تأکید می‌کند. موضوعی که در ایران نیز معیاری قابل قبول است. شرکت در پارتی‌های مختلط، قلیان کشیدن جوانان، حضور زنان در ورزشگاه‌ها، برگزاری کنسرت‌ها، از چالش‌های جدی نظام سیاسی کنونی ایران است. در حالی که روحانیون به ویژه ائمه جمعه رفتارهای فوق را مغایر با ارزش‌های اجتماعی می‌دانند، ولی قوانین و رویه قضایی غالب، آن‌ها را فاقد وصف مجرمانه می‌داند. لذا، می‌توان در صورتی که رفتارهای فوق مغایر با هنجارهای پذیرفته شده باشد، آن‌ها را از مصادیق انحراف تلقی نمود. دیکسردی و همکاران نیز در کتاب انحراف و جرم (نظریه، پژوهش و سیاست) به تبیین نظریه‌های مختلف درباره جرم و انحراف می‌پردازد و دیدگاه‌های هنجاری، واکنش اجتماعی و جرم‌شناسان انتقادی را توضیح داده و در این باره می‌نویسد: «به هر حال، شما احتمالاً رفتارهای بسیاری را به عنوان جنایی یا انحرافی مشاهده می‌کنید که با قانون کیفری در نظر گرفته نمی‌شوند» (Dekeseredy, p. 25, 2015).

## ۲- جرم از دیدگاه سیاستگذاری

سیاستگذاری جنایی، تحت تأثیر تحولات جرم‌شناسی درباره مفهوم جرم قرار دارد. جرم، از دیدگاه، سیاستگذاری جنایی فراتر از مفهوم حقوقی آن مورد توجه قرار گرفته است. توجه به انحراف و آسیب‌های فردی و اجتماعی ایجاد شده بر اثر بزهکاری، پیش‌گیری از وقوع جرم، کاهش نرخ جرم، کاهش هزینه‌های مرتبط با کنترل جرم، به کارگیری سیاست‌های بازپرورانه و اصلاحی درباره بزهکاران، از اهم محورهای مورد توجه در سیاستگذاری جنایی است. از نگاه سیاستگذاری جنایی: «جرم پدیده‌ای اجتماعی است که به رغم اشکال گوناگونش براساس اقتضائات تاریخی، قرابت با محیط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، ریشه داشتن در فرهنگ و بسیاری مؤلفه‌های دیگر ... تمامی جوامع به چشم می‌خورد» (ملک محمدی، ص ۱۲۶، ۱۳۹۵). بدین نتیجه، جرم، مفهومی محورین در سیاستگذاری جنایی پیدا می‌کند که ارتباط نزدیکی با تمامی سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی دولت‌ها پیدا می‌کند. لذا جرم، فراتر از مفهوم قانون کیفری مورد توجه قرار می‌گیرد و صرفاً یک رفتار مستوجب مجازات نیست. اعمال مجازات برای جرم، یک رفتار گذشته‌نگر است. در حالی که در سیاستگذاری نگاه آینده‌نگر وجود دارد. چه کنیم که جرم در آینده رخ ندهد و از وقوع آن جلوگیری شود؟ برای کاهش بزهکاری و مدیریت خطر جرم چه سیاست‌هایی باید انتخاب شود؟ چگونه بزهکاران را اصلاح کنیم که به شهروندانی مطیع قانون و هم‌نوا با ارزش‌های اجتماعی تبدیل شوند؟ آسیب‌های وارده به بزه‌دیدگان را چگونه جبران کنیم؟<sup>۱</sup> و سایر سیاست‌هایی که نگاه به آینده

۱- مثلاً در بودجه سالانه به پرداخت خسارت بزه‌دیدگان در مواردی خاص توجه می‌شود. تبصره ۱۱ قانون بودجه ۱۳۹۷ در این باره مقرر می‌دارد: «به منظور تأمین کسری اعتبارات دیه محکومان معسر با اولویت زنان معسر و مواردی که پرداخت خسارات برعهده بیت‌المال یا دولت

دارد، هر چند در سیاستگذاری نمی‌توان به طور کلی مسئله مجازات را نیز نادیده گرفت. طلاق، فقر، بیکاری، حاشیه‌نشینی، مناطق محروم و نظایر آن‌ها به عنوان نوعی آسیب اجتماعی که مؤثر بر نرخ بزهکاری است در سیاستگذاری‌های عمومی مورد توجه قرار می‌گیرد. به همین جهت در قوانین بالادستی نظیر قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) و قانون بودجه، مواد مستقلی به موضوعات مرتبط با آسیب‌های اجتماعی اختصاص داده می‌شود. مثلاً قانون یاد شده، مواد متعددی را به پیش‌گیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی اختصاص داده است. مواد ۷۸، ۷۹ و ۸۰ در این خصوص قابل توجه است. ماده ۸۰ قانون یاد شده مقرر می‌دارد: «دولت مکلف است طبق قوانین مربوطه و مصوبات شورای اجتماعی به منظور پیش‌گیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، نسبت به تهیه طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی با اولویت اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی، کودکان کار و مفاصد اخلاقی مشتمل بر محورهای ذیل اقدام کند. به گونه‌ای که آسیب‌های اجتماعی در انتهای برنامه به بیست و پنج درصد (۲۵٪) میزان کنونی کاهش یابد». این آسیب‌ها در هشت بند شامل: پیش‌گیری، خدمت‌رسانی و بازتوانی، شناسایی و بهبود مناطق آسیب‌خیز، حمایت از زنان سرپرست خانوار، مقابله با اعتیاد با حمایت قوه قضائیه، حمایت از بیماران روانی مزمن و سالمندان، تأمین مسکن نیازمندان و ساماندهی کودکان کار، مورد توجه قرار گرفته است. از دیدگاه سیاستگذاری عمومی، پیش‌گیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی همانند مقابله با بزهکاری حائز اهمیت است، زیرا بسترهای لازم را برای افزایش نرخ بزهکاری ایجاد می‌نماید. این دیدگاه موجب می‌شود که در سیاستگذاری عمومی با توجه به ابعاد مختلف و زمینه‌های تکوین آن در فرد یا جامعه، پیش‌گیری به موازات سیاست‌های کنترل جرم مورد توجه قرار گیرد و صرفاً بر مجازات به عنوان تنها ابزار سرکوب رفتارهای بزهکارانه تمرکز نگردد. به همین جهت پدیده بزهکاری فراتر از یک مفهوم قانونی در سیاستگذاری‌های جنایی مورد توجه قرار می‌گیرد. بلکه در یک طرح و استراتژی کلی، یعنی در چهارچوب سیاست اجتماعی یک دولت معین و دقیق‌تر بگوییم در چارچوب سیاست این دولت در زمینه شهر (شهرسازی و شهرنشینی) قرار می‌گیرد. در واقع پدیده‌ی مجرمانه، در معنای وسیع آن، تنها از جرایم کیفری، یعنی خلاف، جنحه و جنایت، تشکیل نمی‌شود، بلکه شامل مجموعه‌ی رفتار و کردارهایی نیز می‌شود که صرف‌نظر از این که در قانون مجازات جرم تلقی شده یا نشده باشد، مُخل نظم اجتماعی است، زیرا به صورت

باشد، وزیر دادگستری مجاز است با تصویب هیأت نظارت صندوق تأمین خسارت‌های بدنی حداکثر تا سه هزار و پانصد میلیارد (۳,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از منابع درآمد سالانه موضوع بندهای (ت) و (ج) ماده (۲۴) قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰ را از محل اعتبارات ردیف ۲-۱۱۰۰۰۰ جدول شماره (۷) این قانون دریافت و هزینه کند.» در بند «د» تبصره یاد شده نیز مقرر می‌دارد: «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مکلف است دیه زندانیان حوادث رانندگی غیرعمد را که به دلیل محدودیت سقف تعهدات شرکت‌های بیمه و صندوق مذکور در زندان به سر می‌برند و قبل از لازم‌الاجراء شدن قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه زندانی شده‌اند، تأمین نماید تا پس از معرفی ستاد دیه کشور به صورت بلاعوض نسبت به آزادی آن‌ها اقدام کند.»

عدم پذیرش و عدم رعایت هنجارهای اجتماعی متجلی می‌شود.» (لارزژ، ص ۶۴، ۱۳۹۶). دولت‌ها در هنگام تدوین سیاست‌های کلی درباره رفاه، آموزش، بهداشت و درمان، سلامت، محیط زیست، اقتصاد، و سایر حوزه‌های اصلی سیاستگذاری عمومی<sup>۱</sup>، سیاست‌های مربوط به پیش‌گیری و کنترل جرم را مورد توجه قرار دهند. «مسئله جرم، پیش‌گیری از آن و چگونگی برخورد با آن به عنوان یک مسئله عمومی در دستور کار دولت‌ها قرار می‌گیرد و سیاستگذاری عمومی در حوزه‌ای خاص با عنوان خاص سیاستگذاری جنایی یا سیاستگذاری عدالت کیفری بدان می‌پردازد» (ملک محمدی، ص ۱۲۷، ۱۳۹۵). گستردگی موضوعات مرتبط با بزهکاری فراتر از ابعادی است که در سیاستگذاری عمومی مورد توجه قرار می‌گیرد. شناسایی علّت‌های زیستی، روانی، اجتماعی و ... مرتبط با جرم، اصلاح و درمان بزهکاران، حقوق بزه‌دیدگان و ... از اهم عناوین مرتبط با پدیده بزهکاری است که همه ابعاد آن در سیاستگذاری‌های کلان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. هر چند شاهد توجه روز افزون به ابعاد گسترده‌تر بزهکاری در سیاستگذاری جنایی هستیم. ضمن اینکه در سیاستگذاری‌های عمومی پدیده انحراف نیز به موازات جرم در کنار سایر آسیب‌های اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد.

## ب - سیاستگذاری درباره کنترل جرم

زمانی که از سیاستگذاری جنایی و هدف آن یعنی کاهش میزان جرم سخن می‌گوییم، شاید اولین اصطلاحی که به ذهن متبادر می‌شود، کنترل اجتماعی است: در ابتدا اصطلاح کنترل اجتماعی (Social Control) در جامعه‌شناسی مورد استفاده قرار گرفته است. این اصطلاح برای اولین بار توسط ادوارد، ای، راس (۱۸۶۶-۱۹۵۱) به کار رفته است: «کنترل اجتماعی، سازوکارهایی است که جامعه به وسیله آن تسلط خود را بر افراد اعمال می‌کند و آن‌ها را و می‌دارد که با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هم‌نوا شوند» (کوزر، ص ۱۰۷، ۱۳۸۷). مفهوم گسترده‌ای از کنترل اجتماعی توسط راس مطرح شده است که تمامی اشکال کنترل‌های رسمی و غیررسمی، درونی و بیرونی، تربیتی و سرکوب‌کننده را در بر می‌گیرد. این دیدگاه در سیاستگذاری‌های جنایی مورد توجه قرار گرفته و شامل هر سازوکاری می‌شود که هم‌نوا با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را برای افراد ایجاد می‌نماید.<sup>۲</sup> همین دیدگاه توسط هودسون نیز

۱- برای آشنایی با حوزه‌های اصلی سیاستگذاری عمومی رک.

ملک‌محمدی، حمیدرضا: مبانی و اصول سیاستگذاری عمومی، چاپ دوم، زمستان ۱۳۹۵، انتشارات سمت.

۲- مفهوم ارائه شده توسط راس و سایر جامعه‌شناسان را کنترل به معنای موسع یا عام نام‌گذاری می‌کنیم. ولی در جرم‌شناسی مفهوم مضیق از آن مطرح می‌شود که شامل سازوکارهای رسمی و تنبیهی در پاسخ به جرم است که از آن به جرم‌شناسی کنترل یا جرم‌شناسی کنترل اجتماعی تعبیر می‌شود. دیوید گارلند در کتاب فرهنگ کنترل جرم و نظم اجتماعی در جامعه معاصر، به تحولات مفهومی و محتوایی کنترل جرم در گذشته و حال می‌پردازد. در فصل هفتم کتاب یاد شده، فرهنگ جدید کنترل جرم و چگونگی ظهور جرم‌شناسی کنترل را تبیین می‌نماید. گارلند، تغییر از سیاست‌های سرکوب‌گر و تنبیهی در پاسخ به جرم تا جایگزین کردن مجازات حبس یا مجازات‌های اجتماعی و جرم‌شناسی اجتماعی را مورد بحث قرار داده است.



مطرح شده است: «... مفهوم یاد شده از کنترل اجتماعی، تولید رفتار عادی در کنار سرکوب انحراف را نیز در بر بگیرد. این مفهوم، هم‌چنین در برگیرنده اشکال و فنون متفاوت کنترل، نیز می‌گردد. مواردی هم چون: کنترل آموزشی (educative) و سرکوب‌گر (repressive) یعنی کنترل از خلال درونی کردن هنجارها / کنترل از خلال اجبار بیرونی» (هودسون، ج ۲، ص ۶۵۶، ۱۳۹۳). توجه به کنترل‌های درونی و بیرونی، در سیاستگذاری‌های عمومی حائز اهمیت است. حوزه‌های سیاستگذاری‌های مرتبط به آموزش به نحو مؤثری بر کنترل‌های درونی و سیاستگذاری‌های مرتبط با کیفر و پاسخ‌های مدنی بر کنترل‌های بیرونی مؤثر است. این موارد به تفکیک مورد بحث قرار می‌گیرد:

### ۱- درونی کردن کنترل اجتماعی

امیل دورکیم، برای اولین بار، درباره درونی کردن کنترل اجتماعی به تشریح مطالب مهمی پرداخته است.<sup>۱</sup> وی بحث را با طرح این پرسش شروع می‌کند: ویژگی‌های متمایز واقعیت‌های اخلاقی کدامند؟ سپس در پاسخ به آن می‌نویسد: «به نظر می‌رسد کل اخلاقیات یک جامعه به صورت مجموعه قواعد رفتاری است» و سپس به معیار مهم «تکلیفی بودن و مطلوبیت» اشاره می‌کند.<sup>۲</sup>

کانت، فیلسوف آلمانی معیار تکلیفی بودن را مطرح کرده بود. دورکیم نیز در این بخش کاملاً با کانت هم عقیده است. دورکیم می‌نویسد: «نخستین ویژگی قاعده اخلاقی، تکلیفی بودن آن است». منظور از تکلیفی بودن وظیفه‌گرایی، الزامی بودن و حالت آمرانه داشتن قاعده‌های اخلاقی است. کانت مبانی این بحث را به خوبی تفریر کرده است. به باور کانت ارزش اخلاقی حقیقی تنها در عملی نهفته است که از برای تکلیف انجام شده است (هونه، ص ۶۷، ۱۳۹۲). کانت معتقد است: «این که باید وظایف خود را انجام دهیم، یک دستور قطعی است. منظور این است، ما باید تکالیف اخلاقی را انجام دهیم و در این ارتباط خوشایند و ناخوشایند، لذت و الم، مقرون به صرفه بودن یا نبودن، موضوعیتی ندارد» (همان، ص ۱۵۰، ۱۳۹۲).

در این باره رک:

Garland, David: *The CULTURE OF CONTROL, Crime and Social Order in Contemporary Society*, The University of Chicago Press, 2002.

۱- برای مطالعه بیشتر در این باره رک.

شیری، عباس: درس گفتارهای جرم‌شناسی فرهنگی، دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۶-۹۷.

۲- مشخصات کامل مقاله دورکیم بدین شرح است:

E. Durkheim, *Sociology and Philosophy*, translated by D.F. Pocock, The free press, 953, PP. 35-36 and 40-46.

به ترجمه کامل این مقاله مندرج در کتاب نظریه‌های بنیادین جامعه‌شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، صص ۱۱۵ تا ۱۲۰ رجوع نمایید. در همین ارتباط رک:

هربرت مید، جرج: درونی کردن کنترل اجتماعی، مندرج در کتاب یاد شده، صص ۱۲۰ تا ۱۲۴.

پیاژه، ژان: درونی کردن کنترل اجتماعی، مندرج در کتاب یاد شده، صص ۱۲۴ تا ۱۳۰.

اصل اخلاقی مطلق و جهان‌شمول کانت، یکی از تأثیرگذارترین گزاره‌های اخلاقی برای تمام آحاد بشر، صرف‌نظر از ملیت آن‌ها بوده است.<sup>۱</sup> کانت قاعده‌های اخلاقی را استثناء ناپذیر و مطلق<sup>۲</sup> می‌داند. وی در تعریف اخلاق می‌نویسد: «اخلاق عبارت است از پیروی از قواعد مطلق، قواعدی که استثناء ناپذیرند و هر اتفاقی که بیافتد، باید حتماً مراعات شوند». بنابراین در نگاه کانت، دروغ همیشه بد است و هرگز نمی‌توان از بابت مصلحت دروغ گفت. فرض کنید فردی در حال فرار از دست عده‌ای جنایت‌کار است که می‌خواهند وی را بکشند، و شما از محل اختفای آن شخص مطلع هستید، از شما می‌پرسند که وی کجاست؟ اگر شما راست بگویید، شخص بی‌گناهی کشته می‌شود و اگر دروغ بگویید، وی نجات پیدا می‌کند، کانت معتقد است حتی دروغ در این جا هم توصیه نمی‌شود. دورکیم، نخستین ویژگی قاعده اخلاقی را مطابق دیدگاه کانت می‌پذیرد، اما آن را کافی نمی‌داند و در کنار آن اصل مطلوبیت را اضافه می‌کند. وی در این باره می‌نویسد: «اما بر خلاف نظر کانت، ... پندار تکلیفی بودن، مفهوم اخلاق را کامل نمی‌کند، ممکن نیست عملی را بدون توجه به محتوای آن انجام دهیم، صرفاً به این دلیل، که به ما دستور داده شده است. برای این که کاری انجام بدهیم باید تا حدی با احساسات ما هم‌خوانی داشته و برای ما به نوعی مطلوب باشد. تکلیف یا وظیفه، فقط جنبه‌ای را که از اخلاق انتزاع شده، بیان می‌کند. مطلوبیت نسبی نیز ویژگی دیگر اخلاق است که از ویژگی قبلی کم‌اهمیت‌تر نیست» (کوزر، ص ۱۱۵، ۱۳۸۷). نقد دورکیم بر دیدگاه کانت کمتر مورد توجه کانت پژوهان قرار گرفته است، چون آنان به جنبه‌های فلسفی اندیشه‌های کانت پرداخته‌اند، ولی دورکیم نگاهی جامعه‌شناسانه دارد. به ویژه اهمیت کار دورکیم در تحلیل جرم و مجازات آشکار می‌شود. درباره ضمانت اجرایی منفی یعنی مجازات، نظریه کانت مورد قبول دورکیم است. وی در این باره می‌نویسد: «صرفاً به این دلیل که آن عمل را انجام داده‌ایم مجازات نمی‌شویم. این ماهیت ذاتی کنش نیست که ضمانت اجرایی پیامد آن را به وجود می‌آورد. بلکه این واقعیت که از قاعده‌ای که آن عمل را ممنوع دانسته سرپیچی شده است. در واقع همین گونه عمل که با همین پیامد انجام می‌شود، سرزنش شدن یا نشدن بستگی به این دارد که آیا قاعده‌ای برای ممنوعیت آن وجود دارد یا خیر. وجود این قاعده و نیز رابطه‌ای که با عمل دارد، چگونگی ضمانت اجرایی آن را معین می‌کند. به این ترتیب، آدم‌کشی که در زمان صلح محکوم است، در زمان جنگ سرزنش نمی‌شود .... اکنون معنای ژرفتری از ضمانت‌های اجرایی درک می‌شود. ضمانت اجراء، پیامد عملی است که نتیجه ذاتی آن نیست، بلکه محصول سرپیچی از قاعده‌ای است که از قبل

۱- تعبیری زیبا از پیامبر اکرم (ص) شبیه به همین اصل مهم کانت وجود دارد: «هر گونه دوست‌داری مردم با تو رفتار کنند، تو نیز با آن‌ها همان گونه رفتار کن و هر چه را دوست نداری مردم با تو عمل کنند، تو نیز آن را انجام نده». احادیث متعدد مشابه با همین فرمایش پیامبر اکرم (ص) وجود دارد که یک قاعده جهان‌شمول رفتاری را مشخص می‌کند.

۲- مثال جزیره متروک کانت هم مطلق‌گرایی وی را نشان می‌دهد.

وضع شده است... به این ترتیب، قواعدی وجود دارد که دارای این ویژگی‌اند: اعمالی که ممنوع شده‌اند، صرفاً به دلیل ممنوعیت، از انجام آن‌ها خودداری می‌کنیم، این معنای تکلیفی قاعده اخلاقی است. همان‌گونه که کانت می‌گوید...» (کوزر، ص ۱۱۸-۱۱۹، ۱۳۸۷).<sup>۱</sup> پس قاعده اخلاقی کانت و عنصر تکلیفی بودن، مجازات را توجیه می‌نماید. اما دورکیم نوع دیگر ضمانت اجرا را مورد توجه قرار می‌دهد که نام آن را **ضمانت اجرایی مثبت** می‌گذارد. که در تحلیل عنصر مطلوبیت آن را بیان می‌دارد. دورکیم در درس‌های جامعه‌شناسی در دانشکده حقوق سوربن باز بر جنبه تکلیفی تأکید کرد: «اولین و آمرانه‌ترین تکلیف آن است که سوء قصد به زندگی انسان را ممنوع و قتل را منع می‌کند» (دورکیم، ۱۸۶، ۱۳۹۳).

عنصر دیگری که مورد توجه دورکیم قرار گرفته است، مطلوبیت یک رفتار در نزد مرتکب است. دورکیم در این باره می‌نویسد: «برای این که کاری انجام دهیم باید تا حدی با احساسات ما هم‌خوانی داشته و برای ما به نوعی مطلوب باشد. ... این مطلوبیت که خاص رفتارهای اخلاقی است. در ویژگی قبلی یعنی تکلیفی بودن آن دخالت می‌کند و با مطلوبیتی که امیال معمولی وجود دارد، فرق می‌کند. ماهیت تمایل ما نسبت به اعمال دستوری، تمایل ویژه‌ای است. شادی و نشاط ما با نظم و تلاش همراه است» (کوزر، ۱۳۸۷، ۱۱۹). در این قسمت دیدگاه دورکیم، به دیدگاه فایده‌گرایان نزدیک می‌شود. استوارت میل و بنتام در تبیین رفتار، مسئله فایده‌گرایی را مطرح کرده‌اند. مطلوب بودن به نوعی فایده و سود رفتار را برای شخص توجیه می‌کند. این که رفتاری برای انسان سود و فایده داشته باشد، رفتاری مطلوب و خوب خواهد بود. دورکیم درباره ضمانت اجرای مثبت به عنوان پیامد رفتار می‌نویسد: «... اعمالی که با قاعده اخلاقی، هم‌نوايي دارد تعیین می‌شود و کسانی که آن‌ها را انجام می‌دهند، محترم هستند. در این مورد قاعده اخلاقی، هم‌نوايي دارد تحسین می‌شود و کسانی که آن‌ها را انجام می‌دهند، محترم هستند... پیامد این واکنش را برای کسی که موافق با قاعده اخلاقی عمل کرده، خوشایند است؛ ولی ساز و کار این پدیده اجتماعی همان است. در این جا ضمانت اجرایی از خود عمل سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه از هم‌نوايي با قاعده‌ای که آن را تعیین می‌کند، ناشی می‌شود...» (کوزر، ص ۱۱۸، ۱۳۸۷). بنابراین، هرگاه دو عنصر تکلیفی بودن و مطلوبیت در فرد نسبت به رفتاری معین شکل می‌گیرد، هم‌نوايي با ارزش‌ها پدیدار شده و موجب می‌گردد که شهروندان با میل و رضایت قبلی، از قانون تمکین نمایند. همان‌گونه که یک فرد مذهبی، اعمال مذهبی را با اختیار خویش انجام می‌دهد و از رفتار خود خشنود می‌باشد. همین احساس خشنودی و لذت در انسان می‌تواند شکل بگیرد که نظم ناشی از اجرای قانون را برای خود و جامعه سودمند بداند و با میل و رضای

۱- در واقع دیدگاه کانت، فایده‌گرایی استوارت میل و بنتام را به چالش می‌کشد.

برای مطالعه در این باره رک.

میل، جان استوارت: فایده‌گرایی، ترجمه دکتر مرتضی مردیها، چاپ اول، ۱۳۸۸، نشر نی.

باطن آن را انجام بدهد. می‌تواند در بستر سیاست‌های فرهنگی، با آموزش ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی این حسن مثبت را در شهروندان به وجود آورد. در این صورت آنان اجرای قانون را به عنوان یک وظیفه تلقی نموده و آن را با میل و رضایت باطنی انجام می‌دهند. آموزش و پرورش، نقش مهمی در درونی کردن هنجارها و ارزش‌ها در فرد دارد. به هر میزان که والدین، نهادهای آموزشی و تربیتی، نهادهای مدنی و مذهبی وظایف و تکالیف را به درستی انجام دهند، افراد بیشتری رفتارهای خود را با ارزش و هنجارهای جامعه هماهنگ کرده و با آن هم‌نوا می‌شوند. یکی از حوزه‌های اصلی جهت‌گذاری‌های عمومی، سیاست‌گذاری‌های آموزشی<sup>۱</sup> است که به هم‌نویی افراد با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تأثیر می‌گذارد. به تعبیر ویکتور هوگو: «درب هر مدرسه‌ای را باز کنید درب زندانی را بسته‌اید». به همین جهت قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصول متعدد، راهکارهای مرتبط با درونی کردن کنترل اجتماعی را مورد توجه قرار داده است. در صدر اصل سوم قانون اساسی آمده است: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی. ۲- بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر. ۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی...».

در اصل هشتم قانون اساسی آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْتُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ)». در اصل سی‌ام قانون اساسی آمده است: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد.»

در بند سوم سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مصوب ۱۳۸۲/۹/۱۱ آمده است «تقویت فضایل اخلاقی و ایمان، روحیه ایثار و امید به آینده». در بند ۶

۱- «سیاست‌های آموزشی به دسته‌ای از سیاست‌ها اطلاق می‌شود که به وسیله مراجع عمومی ذی‌صلاح در یک جامعه با هدف سازمان بخشی به مسئله تحصیل افراد جامعه، ساختارها و نهادهای مورد نیاز برای این کار و چگونگی توسعه و ارتقای کمی و کیفی آن وضع می‌شود.» (ملک‌محمدی، ص ۱۱۴، ۱۳۹۵)

«سیاست‌های آموزشی، فراتر از آموزش صرف مدرسه‌ای و دانشگاهی، مورد توجه سیاست‌گذاری عمومی قرار می‌گیرد. تربیت صحیح افراد به منظور فراگیری آداب، رسوم و سنت‌های رایج در جامعه، تشخیص رفتارهای بد از خوب و معیارهای آن، شناسایی عوامل خطر، نظیر آسیب‌های اجتماعی (اعتیاد، سوءاستفاده جنسی و ...) در صدر برنامه‌های آموزشی قرار گرفته است. سیاست‌های آموزشی در ایران، به ویژه به این جنبه توجه زیاد داشته است که در تحلیل قوانین بالادستی در ایران به آن اشاره خواهد شد.

۲- تحلیل اصل هشتم قانون اساسی درباره امر به معروف و نهی از منکر نیز در خصوص درونی کردن کنترل اجتماعی حائز اهمیت است.

همان مصوبه نیز مقرر شده است: «تقویت وجدان کاری و انضباط اجتماعی و روحیه کار و ابتکار، کارآفرینی، درستکاری و قناعت و اهتمام به ارتقاء کیفیت». در بند ۱۱ مصوبه فوق بر سالم سازی فضای فرهنگی، رشد آگاهی و فضایل اخلاقی و اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر، تأکید شده است. بند ۸ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه در چارچوب سند چشم‌انداز بیست ساله مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۲۱: مقرر می‌دارد: «تحول در نظام آموزش و پرورش با هدف ارتقاء کیفی آن براساس نیازها و اولویت‌های کشور در سه حوزه دانش، مهارت و تربیت و نیز افزایش سلامت روحی و جسمی دانش آموزان». ارتباط نظام آموزشی بر سلامت روحی و جسمی حائز اهمیت است. هر گونه نارسایی در این خصوص می‌تواند به تولید جرم و انحراف بیانجامد. به همین جهت، در سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور مصوب ۱۳۹۲/۲/۵ به طور گسترده‌ای به نقش آموزش و پرورش در درونی کردن هنجارها و ارزش‌ها، تأکید شده است. بند یک مصوبه یاد شده مقرر می‌دارد: «تحول در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی در جهت رسیدن به حیات طیبه از زندگی فردی و اجتماعی مطلوب اسلامی) و رشد و شکوفایی استعدادهای فطری و ارتقاء کیفی در حوزه‌های بینش و دانش، مهارت، تربیت و سلامت روحی و جسمی دانش آموزان. با تأکید بر ریشه‌کن کردن بی‌سوادی و تربیت انسان‌های مؤمن، پرهیزکار، متخلّق به اخلاق اسلامی، بلند همت، امیدوار، خیرخواه، با نشاط، حقیقت‌جو، آزادمنش، مسؤولیت پذیر، قانون‌گرا، عدالت خواه، خرد ورز، خلاق، وطن دوست، ظلم ستیز، جمع‌گرا، خود باور و ایثارگر». با تأکید بر تربیت انسان‌های قانون‌گرا و عدالت خواه در بند یاد شده حائز اهمیت است. در بند ۲ مصوبه یاد شده نیز بر نقش آموزش و پرورش به مثابه مهم‌ترین نهاد تربیت نیروی انسانی و مولد سرمایه اجتماعی تأکید شده است. ابعاد دیگر موضوع نیز در مصوبه یاد شده مورد توجه قرار گرفته است. در بند ۶۹ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه مصوب ۹ تیر ماه ۱۳۹۴، بر: «ارائه و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی» و در بند ۷۲ مصوبه یاد شده بر: «حضور مؤثر نهادهای فرهنگی دولتی و مردمی در فضای مجازی به منظور توسعه و ترویج فرهنگ، مفاهیم و هویت اسلامی ایرانی و مقابله با تهدیدات» تأکید شده است.

## ۲- بیرونی کردن کنترل اجتماعی

همنواسازی افراد با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی ممکن است از طریق یک فرایند اجباری بیرونی شکل بگیرد. یعنی افراد و ادار شوند که رفتارهایی را که جرم یا انحراف نامیده می‌شوند، ترک کنند. کنترل‌های بیرونی ممکن است به صورت رسمی یا غیررسمی باشند. کنترل‌های رسمی، توسط نهادهای عدالت کیفری یا اداری دولتی به عمل می‌آید و به صورت مجازات یا

تنبیهات انضباطی اعمال می‌شود. کماکان مجازات، محور اصلی و مرکز ثقل کنترل اجتماعی رسمی است. اندیشه‌های جرم‌شناسی کلاسیک (اعم از بازدارندگی و سزاگرایی) راهبردهای اولیه درباره کنترل جرم است. هرچند این پارادایم‌ها، به دنبال قانونی کردن فرایند تعیین و اجرای مجازات و تناسب بین جرم و مجازات بوده‌اند.<sup>۱</sup> و کنترل‌های اجتماعی غیررسمی که توسط خانواده و جامعه مدنی صورت می‌گیرد. فرایندهای میانجی‌گری و عدالت ترمیمی نیز در محدوده کنترل‌های اجتماعی غیررسمی قرار دادند.<sup>۲</sup> ولی تحولات بعدی جرم‌شناسی، به تبیین پدیده کنترل در جوامع مدرن پرداخته است. در واقع می‌توان ادعا کرد که کنترل اجتماعی به گونه‌ای به تمامی مباحث جرم‌شناسی مستقیم یا غیرمستقیم ارتباط پیدا می‌کند. به گونه‌ای که هودسون ادعا می‌کند: «جرم‌شناسی، در حالی که به مطالعه [پدیده] کنترل می‌پردازد، خود، بخشی از دستگاه کنترل در جوامع مدرن نیز محسوب می‌شود». هر چند تحولات مهمی در راستای انسانی کردن کیفر صورت گرفته است، ولی کماکان جنبه تنبیهی و سرکوب‌گر آن تأکید می‌شود. زندان‌ها، از مکان‌هایی برای شکنجه و تعذیب به محیط‌های درمانی، حرفه آموزشی، کار، آموزش و ارتقای تحصیلی تبدیل شده است.

اجرای برنامه‌های اصلاحی در زندان، موجب می‌گردد که بزهدکار با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه آشنا گردد و خود را با آن‌ها هم‌نوا سازد. هم‌چنین کنترل‌های غیررسمی در کنار کنترل رسمی مورد توجه سیاستگذاران قرار گرفته است. به تحولات صورت گرفته در ایران در این خصوص در راستای سیاستگذاری جنایی اشاره می‌شود. همان‌طور که فوکو اشاره می‌کند: «زندان پر قدمت‌تر از آن است که بتوان گفت با مجموعه قوانین جدید متولد شده است... نهاد - زندان [زندان به منزله نهاد] پیش‌تر از آن که در قانون به منزله مثل اعلامی کیفر تبیین شود، به صورت شکل کلی مجموعه‌های دستگاه‌هایی برای مطیع و مقید کردن افراد از طریق کار دقیق روی بدن‌شان ترسیم شد» (فوکو، ص ۲۸۵، ۱۳۹۵).<sup>۳</sup> مجازات‌های بدنی رایج نظیر اعدام، قطع اعضا بدن، زنده سوزاندن، ریختن سرب داغ روی سر، شقه شقه کردن افراد، رفته رفته جای خود را به مجازات زندان داد، این تحول گام مثبتی در راستای انسانی شدن کیفر است. این نقطه عطف مثبت که در قرن نوزدهم میلادی در اروپا به اوج خود رسید، نیز بدون آثار و پیامدهای منفی نبود، ولی به تعبیر فوکو: «زندان راه‌حل کریهی است که نمی‌توان از آن

۱- برای مطالعه بیشتر در این باره رک.

- غلامی، حسین: کیفرشناسی، چاپ اول، بهار ۱۳۹۵، نشر میزان.

- بروکس، تام: مجازات، ترجمه محمدعلی کاظم نظری، چاپ اول، نشر میزان.

- شیری، عباس: پارادایم‌های عدالت کیفری، مندرج در مجله حقوق و علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شماره ۷۴، زمستان ۱۳۸۵، صص ۲۱۳ تا ۲۴۵.

Garland, David:

۲- برای بحث بیشتر در این ارتباط رک.

شیری، عباس: عدالت ترمیمی، صص ۳۳۹ تا ۳۶۲، چاپ اول، بهار ۱۳۹۶، بنیاد حقوقی میزان.

۳- فوکو، میشل: مراقبت و تنبیه، تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش - افشین جهان دیده، ص ۲۸۵، چاپ دهم، نشر نی، ۱۳۹۱.

اجتناب کرد.» (فوکو، ص ۲۸۵، ۱۳۹۵). جامعه متمدن، مجازات زندان را جایگزین مجازات‌های بدنی نمود. از اوایل قرن نوزدهم، کارکرد دیگری نیز برای زندان تعریف شد که مجازات نباید در چشم عموم اجرا شود، نامریی شدن مجازات، فقط از طریق دیوارهای زندان امکان پذیر بود.<sup>۱</sup> با حذف سایر مجازات‌ها، زندان به‌عنوان تنها راه مقابله با جرم به رسمیت شناخته شد و روز به روز بر تعداد زندانیان و زندان‌ها افزوده شد. از جهات مختلف، انتقاداتی بر «زندان» وارد شده است، این انتقادات به حدی است که حتی عده‌ای معتقد به شکست زندان هستند.<sup>۲</sup>

در آمریکا بیش از ۲/۳۰۰/۰۰۰ نفر در زندان هستند و بیش از هفت میلیون نفر با اشکال مختلفی از مجازات‌ها و اقدام‌های تأمینی و تربیتی، درمانی و اصلاح مواجه هستند. یعنی تقریباً از ۳۱ نفر آمریکایی، یک نفر در زندان تحت کنترل نظام عدالت کیفری است.<sup>۳</sup> ظاهراً دولت آمریکا، یکی از وظایف خود را زندانی کردن شهروندان می‌داند و روز به روز تلاش می‌کند تعداد بیشتری را روانه زندان نماید یا میزان کنترل رسمی کیفری را بر شهروندان افزایش دهد. جرم‌شناسی محکومان نام این کار را «جنش زندان انبوه»<sup>۴</sup> می‌نامد.<sup>۵</sup> «مشکل ازدحام جمعیت زندان‌ها بر سر یک چهار راهی قرار گرفته که با موضوعات مختلف و مهم در حوزه پژوهش درباره جرم و سیاستگذاری در این زمینه مرتبط و هم‌گرا شده است» (آلبرشت، ص ۹، ۱۳۹۵). در این خصوص، سیاست‌های مرتبط با برنامه‌های اصلاحی، درمانی، بهداشتی، حرفه آموزشی، بازپروری و ... دغدغه جدی سیاستگذاران جنایی است. از دیدگاه سیاستگذاری عمومی نیز، تخصیص بودجه لازم جهت ساخت زندان‌های جدید، اداره و نگهداری و هزینه‌های روز افزون زندان، مورد توجه قرار گرفته، به گونه‌ای که چاره‌ای جز انتخاب سیاست‌های متفاوت درباره مجازات باقی نگذاشته است.<sup>۶</sup> در ایران هم وضعیت مشابهی وجود دارد. آمار در ایران نشان از افزایش تقریبی ۱۷/۵ برابر شدن جمعیت زندان در چهار دهه گذشته دارد، در حالی که جمعیت ایران کمتر از سه برابر شده است. دائماً جرم‌های جدید به فهرست جرایم قوانین جزایی افزوده می‌شود. نظام عدالت کیفری هم با تفاسیر سخت‌گیرانه، هر روز عده‌ای را روانه زندان می‌کند.

۱- فوکو در فصل نمایش تعذیب‌ها این بحث را مطرح نمود. جان پرت در کتاب مجازات و تمدن یک فصل کتاب را به نامرئی کردن مجازات اختصاص داد.

۲- ریچاردز و راس اصطلاح «Failure of Prisons» را صراحتاً در مقاله‌های خویش به کار بردند. رک. Stephen C. Richards and Jeffrey Ian Ross: *Interducing the New school of Convict Criminology*, p. 178.

برای مطالعه درباره تاریخچه زندان رک: نوروال مورس — داوید جی روتمن: تاریخچه زندان (سرگذشت شیوه‌های اعمال کیفر در جوامع غربی) ترجمه و تحقیق محمدرضا گودرزی بروجردی با همکاری دیگران، چاپ دوم، تابستان ۱۳۹۰، نشر میزان

3- Jeffery Ross – Stephen, Richards – Greg Newbold – Michael Lenza – Robert Grigsby: *Convict Criminology*, p. 161. ریچاردز در مقاله دیگر می‌نویسد که در آمریکا ۲/۳۰۰/۰۰۰ نفر زندانی بزرگسال، ۴/۶۰۰/۰۰۰ نفر تحت تعلیق مراقبتی (probation) و ۷۸۴/۴۰۸ نفر در آزادی مشروط به سر می‌برند.

4- The Mass Incarceration movement.

۵- «در کشور ترکیه، در سال ۲۰۰۹، تعداد زندانیان این کشور به صد و شانزده هزار و سیصد و چهل نفر رسید. این درحالی که این رقم به نسبت سال ۱۹۹۲، رشد چهار برابری داشته است.» (سودیرن، ص ۱۷، ۱۳۹۶).

۶- به ویژه در ایران که با بحران‌های مالی و اقتصادی روبروست، تجدیدنظر جدی در هزینه‌های جاری ضروری است. محدودیت منابع، کاهش درآمد دولت، افزایش تورم و ... موجب گردیده که تجدیدنظر کلان در ارتباط با مجازات حبس صورت گیرد.

شاید اگر مشکل مکان و بودجه برای زندانی کردن وجود نداشت، آمار زندانیان در ایران چند برابر تعداد فعلی بود. افزایش جمعیت کیفری، ناکارآمدی سیاست‌های اصلاح و درمان، افزایش‌های هزینه‌های نگهداری و مراقبت از زندانیان و عوامل دیگر موجب طرح انتقادات گسترده نسبت به مجازات زندان گردید. در نتیجه استفاده از روش‌های جایگزین حبس و استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی، در سیاستگذاری‌های جنایی مورد توجه قرار گرفت. کیفرهای اجتماعی (Communitarian Punishments)، به عنوان واکنش جایگزین حبس نسبت به پدیده بزهکاری، مورد توجه سیاستگذاران عمومی در سال‌های اخیر قرار گرفته است. در بند ۱۴ سیاست‌های کلی نظام در خصوص امنیت قضایی، آمده است: «بازنگری در قوانین در جهت کاهش عناوین جرایم و کاهش استفاده از مجازات زندان» با توجه به بند یاد شده در هنگام تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات‌های جایگزین حبس در ضمن مواد ۶۴ تا ۸۷ پیش‌بینی گردید. طبق ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: « مجازات‌های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجراء می‌شود». متعاقباً آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون یاد شده در خصوص تعیین انواع خدمات عمومی و دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی پذیرنده محکومان در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۵ به تصویب هیأت وزیران رسید. در همین ارتباط استفاده از کنترل‌های غیررسمی با مشارکت نهادهای مدنی در صدر برنامه‌های سیاستگذاری عمومی در ایران قرار گرفت. ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی مقرر می‌دارد: «به منظور کاهش مراجعات مردم در محاکم قضایی و در راستای توسعه مشارکت‌های مردمی، رفع اختلافات محلی و نیز حل و فصل اموری که ماهیت قضایی ندارد و یا ماهیت قضایی آن از پیچیدگی کمتری برخوردار است به شوراهای حل اختلاف واگذار می‌گردد»<sup>۱</sup>. تحت تأثیر تحولات سایر کشورها در استفاده گسترده از برنامه عدالت ترمیمی و میانجی‌گیری، بسترهای لازم برای اجرایی شدن ماده یاد شده در ایران فراهم گردید. منظور از عدالت ترمیمی فرایندی غیررسمی است که بزه‌دیده و بزهکار با مداخله میانجی‌گران یا تسهیل‌گران، درباره جرم به بحث و گفتگو می‌پردازند تا راه حلی برای پاسخ به جرم و ضرر و زیان‌های ناشی از آن با توافق به دست بیاورند. « در فرایند ترمیمی نه تنها درصدد تنظیم رابطه

۱- در راستای تحقق ماده یاد شده، ابتدای آیین‌نامه اجرایی ماده یاد شده در تاریخ ۱۳۸۱/۵/۱۶ به تصویب هیأت وزیران رسید و نهایتاً قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۶ به تصویب رسید. در ماده یک قانون یاد شده آمده است: «به منظور حل اختلاف و صلح و سازش بین اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی، شوراهای حل اختلاف ... تشکیل می‌گردد».



بین بزه دیده بزهکار هستیم، بلکه باید به روشی کلی برای آینده نیز دست یابیم و در موارد مشابه نیز بتوانیم از طریق این فرایند، خسارت‌های حاصله از وقوع بزه را جبران نماییم و نسبت به پیش‌گیری از ارتکاب بزه در آینده نیز چاره‌اندیشی کنیم» (شیری، ص ۲۱، ۱۳۹۶).

مهم‌ترین فرایند شناخته شده عدالت ترمیمی، میانجی‌گری کیفری است «میانجی‌گری بزه دیده و بزهکار فرایندی است که به موجب آن یک میانجی به وساطت میان بزه دیده و بزهکار می‌پردازد تا بتواند با این گفتگوی مستقیم، به حل اختلاف میان این دو بپردازد» (شیری، ص ۳۴۲، ۱۳۹۶).

ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، نهاد میانجی‌گری را رسماً وارد حقوق ایران کرد. آیین نامه میانجی‌گری در امور کیفری نیز در تاریخ ۱۳۹۴/۹/۸ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید. بدین ترتیب، استفاده از ظرفیت نهادهای مدنی در حقوق ایران تا حدودی مورد توجه قرار گرفت.

### نتیجه گیری

سیاستگذاری جنایی به عنوان شاخه‌ای از سیاستگذاری عمومی، رویکرد متفاوتی نسبت به پدیده بزهکاری، انحراف و آسیب‌های اجتماعی دارد. نگاه جامع و سیستماتیک سیاستگذاری عمومی موجب گردیده که پدیده بزهکاری به عنوان یک جزء از مجموعه‌های سیاست‌های به کار رفته در یک نظام سیاسی مورد توجه قرار گیرد. در حالی که نگرش‌های حقوق کیفری و جرم شناسی فاقد چنین رویکردی است. هر چند نظریه‌های انتقادی در جرم شناسی، در صدد برقراری ارتباط بین پدیده بزهکاری و ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، جنسیتی، اجتماعی و سیاست است. ولی پدیده بزهکاری و کنترل آن را به عنوان بخشی از سیاست‌های کلان مورد توجه قرار نمی‌دهد. یکی از دلایل ناکامی در کنترل بزهکاری و مقابله با آسیب‌های اجتماعی در ایران به همین موضوع باز می‌گردد. هنگام سیاستگذاری‌های کلان عمومی و تصویب قوانین بالادستی نظیر سیاست‌های کلان، برنامه‌های پنج ساله، قوانین سنواتی بودجه سالانه و نظایر آن‌ها، باید به ارتباط بین تمامی حوزه‌های سیاستگذاری عمومی و پدیده بزهکاری و کنترل آن اهتمام ویژه مبذول گردد. به هر میزان که سهم آموزش، پرورش، حفاظت از سلامت اخلاقی و معنوی جامعه، فرهنگ و هنر، بهداشت و درمان، رفاه عمومی و نظایر آن‌ها در سیاستگذاری‌های عمومی کم رنگ شود، بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی با روند افزایشی روبرو خواهد شد. موضوع دیگر در حوزه سیاستگذاری عمومی توجه به مشارکت عمومی است. مشارکت سیاسی، تقویب نهادهای مدنی و بخش خصوصی، در سیاستگذاری عمومی جایگاه مناسب‌تری نسبت به گذشته یافته‌اند. ولی قلمروی کیفری، کماکان تمایل چندانی به این موضوع نشان داده نمی‌شود. بازنگری

درباره مفهوم جرم، انحراف، مجازت و واکنش نسبت به پدیده مجرمانه، زمینه لازم را برای ارتقای نقش فعال تر به نهادهای مدنی ایجاد می‌نماید، هر چند تحولات صورت گرفته شایان توجه است.

## منابع

- ۱- آلبرشت، هانس یورگ: ازدحام در زندان‌ها، ترجمه دکتر حسین غلامی، چاپ اول، بهار ۱۳۹۵، نشر میزان.
- ۲- دورکیم، امیل: درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر برهام، چاپ دوم، ویرایش دوم، ۱۳۸۴.
- ۳- رابرتز، جولیان. وی و دیگران: عوام‌گرایی کیفری و افکار عمومی: درس‌هایی از پنج کشور، ترجمه: رضوانی، سودابه / باقری‌نژاد، زینب / هژبرالساداتی، هانیه / کاظمی جویباری، مهدی؛ زیر نظر دکتر علی جبین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۲، نشر میزان.
- ۴- شیرینی، عباس: درباره جرم و جرم‌شناسی، دیپاچه بر کتاب پژوهش جرم‌شناسی، نوشته لین کرو، ناتاشا سمنز، ترجمه آزاده واعظی، صص پانزده تا سی، چاپ اول، بنیاد حقوقی میزان، پاییز ۱۳۹۴.
- ۵- شیرینی، عباس: درس گفتارهای جرم‌شناسی فرهنگی، دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۶-۹۷.
- ۶- شیرینی، عباس: سیاستگذاری جنایی درباره حقوق بزه‌دیدگان، مندرج در فصلنامه علمی پژوهشی سیاستگذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، صص ۱۵۶ تا ۱۷۰.
- ۷- شیرینی، عباس: عدالت ترمیمی، چاپ اول، بهار ۱۳۹۶، نشر میزان.
- ۸- صدیق سروستانی، رحمت‌الله: آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی)، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۶، انتشارات سمت.
- ۹- فوکو، میشل: مراقبت و تنبیه، تولد زندان، ترجمه نیکوسرخوش - افشین سرخوش - افشین جهان دیده، چاپ دهم، نشر نی، ۱۳۹۱.
- ۱۰- قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)، مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی، منتشره در روزنامه رسمی شماره ۲۰۹۹۵ مورخ ۱۳۹۶/۱/۲۱.
- ۱۱- قانون بودجه سال ۱۳۹۷، ۱۳۹۷.
- ۱۲- کوزر، لوئیس / روزنبرگ، برنارد: نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه فرهنگ ارشاد، چاپ چهارم، ۱۳۸۷، نشر نی.
- ۱۳- گیدنز، آنتونی / ساتن، فیلیپ: جامعه‌شناسی، جلد دوم، ترجمه هوشنگ نائی، ویراست هفتم، چاپ اول، ۱۳۹۵، نشر نی.
- ۱۴- لازرژ، کریستین: درآمدی بر سیاستگذاری جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ ششم، تابستان ۱۳۹۶، بنیاد حقوقی میزان.
- ۱۵- مگوایر، مایک / مورگان، راد / رینر، رابرت: دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد (جلد دوم)، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک‌محمدی، چاپ اول، بهار ۱۳۹۳، نشر میزان.
- ۱۶- ملک‌محمدی، حمیدرضا: مبانی و اصول سیاستگذاری عمومی، چاپ دوم، انتشارات سمت، زمستان ۱۳۹۵.
- ۱۷- نجفی ابرندآبادی، علی حسین: تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی، نیم سال دوم سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳، دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی. قابل دسترسی در: Lawtest.ir
- ۱۸- نوربها، رضا: زمینه حقوق جزای عمومی، تجدیدنظر شده: دکتر عباس شیرینی، چاپ دوم، پاییز ۱۳۹۷، بنیاد حقوقی میزان.
- ۱۹- نوروال موریس / داوید جی روتمن: تاریخچه زندان (سرگذشت شیوه‌های اعمال کیفر در جوامع غربی) ترجمه و تحقیق محمدرضا گودرزی بروجردی با همکاری دیگران، چاپ دوم، تابستان ۱۳۹۰، نشر میزان.
- ۲۰- ویلیامز، فرانک پی / مک شین، ماری لین دی: نظریه‌های جرم‌شناسی، چاپ ششم، پاییز ۱۳۹۵، بنیاد حقوقی میزان.

- 21- Hund, Andrew J.: Participatory Reintegrative Shamig Conferences P.1. The RED Feater Journal of Post/Modern Criminology, An International Journal, 1999.
- 22- Durkheim, Emil. Socilogy and Philosophy, translated by D.F. Pocock, The free press, 953, PP. 35-36 and 40-46, 1959.
- 23- Dekeseredy, Walter s. Ellis , Desmond / Alvi, Shahid: Deviance + Crime; Theory Research and Policy , Third Edition, Routledge, London and NewYork , 2015.
- 24- Feenan, Dermot: Informal Criminal Justic, published by Datmout Publishing Company, 2002, England.
- 25- Jeffery Ross – Stephen, Richards – Greg Newbold – Michael Lenza – Robert Grigsby: Convict Criminology, 2015.
- 26- Stephen C. Richards and Jeffrey Ian Ross: Interoducing the New school of Convict Criminology, 2015.
- 27- Williams III, Frank P, Mc Shane, Marilyand: CRIMINOLOGICAL THEORY, sixth Edition, Pearson Education, Inc. 2014, USA, 2014.